

# ایمان آوردن پولس



## بعد از ظهر روز سبت

**مطالعه این هفته:** اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۹ تا ۱۱؛ تثنیه باب ۲۱ آیه ۲۳؛ اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱ تا ۲۰؛ اول قرنتیان باب ۹ آیه ۱؛ غلاطیان باب ۱ آیه ۱؛ اعمال رسولان باب ۹ آیات ۲۰ تا ۳۰.

**آیه حفظی:** «برو زیرا که او ظرف برگزیده من است تا نام مرا پیش امت‌ها و سلاطین و بنی اسرائیل ببرد» (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱۵).

ایمان آوردن شائول طرسوسی (که پولس شد) یکی از قابل توجه ترین رویدادها در تاریخ کلیسای وابسته به رسولان بود. با این وجود اهمیت پولس بسیار فراتر از تنها ایمان آوردن می باشد زیرا پولس قطعاً تنها دشمن کلیسا نبود که به یک مسیحی واقعی تبدیل شد. در عوض مسئله مربوط می شود به آنچه که او در نهایت برای انجیل انجام داد. پولس دشمنی اصلاح‌ناپذیر برای ایمانداران اولیه بود و آسیبی که می توانست به کلیسای نوپا بزند، عظیم بود. او هم عزم و هم حمایت رسمی برای نابودی کلیسا را داشت. با این حال، او صادقانه به دعوت خدا در راه دمشق پاسخ داد و به یکی از بزرگ ترین رسولان تبدیل شد. «از میان تلخ‌ترین و بی‌رحم ترین شکنجه‌گران کلیسای مسیح، لایق‌ترین مدافع و موفق‌ترین قاصد انجیل بوجود آمد.» — الن جی.

وایت، Ellen G. White, Sketches from the Life of Paul, p. 9

اقدامات پیشین پولس در جفای کلیسای اولیه، همواره به او احساس عمیق بی ارزشی می داد، اگر چه با احساسی عمیق تر از قدردانی می توانست بگوید که فیض خدا به او بیهوده نبوده است. با ایمان آوردن پولس، مسیحیت برای همیشه تغییر نمود.

\* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۳ مرداد آماده شوید.

## شکنجه گر کلیسا

پولس یک یهودی هلنیستی بود. زادگاه او طرسوس، پایتخت قلیقیه بود (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۳۹). با این وجود، او از رفتار کلیشه ای هلنیستی به میزان زیادی فاصله گرفت، زیرا به اورشلیم آورده شده بود، جایی که زیر نظر غملائیل (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۳)، با نفوذ ترین معلم فریسی آن زمان آموزش دید. پولس به عنوان یک فریسی به شدت (ارتدوکس) سنتی و تعصبی بود، اگر چه شور و حرارت او مرز تعصب کور کشیده شده بود (غلاطیان باب ۱ آیه ۱۴). به این دلیل است که او استیفان را به سوی مرگ کشانید و تبدیل به چهره ای کلیدی در جفا های پس از آن شد.

اعمال رسولان باب ۲۶ آیات ۹ تا ۱۱ را بخوانید. پولس چگونه اقدامات خود بر علیه کلیسا را توصیف می کند؟

پولس در جایی دیگر می گوید که انجیل مانعی بر سر راه یهودیان بود (اول قرنتیان باب ۱ آیه ۲۳). در کنار این واقعیت که عیسی شرایط انتظارات سنتی یهودی از پادشاهی مسیح موعود را نداشت، آنها به هیچ وجه نمی توانستند این ایده را بپذیرند که کسی که بر روی صلیب مرد بتواند مسیح موعود خدا باشد، زیرا کتاب مقدس می گوید که هر کس به صلیب کشیده شود، تحت لعنت خداست (تثنیه باب ۲۱ آیه ۲۳). بنابراین، به صلیب کشیده شدن برای یهودیان یک تناقض عجیب و غریب بود، روشن ترین شاهی که می گفت ادعای کلیسا در مورد عیسی نادرست بود.

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱ و ۲ نشان می دهند که شائول طرسوسی در اقدام علیه ایمانداران بود. دمشق شهری بسیار مهم در حدود دویست کیلومتری شمال اورشلیم بود و جمعیت یهودی زیادی داشت. یهودیانی که در خارج از یهودیه زندگی می کردند، به صورت نوعی شبکه ارتباطی سازماندهی شده بودند که مرکزشان در اورشلیم (سنهدرین) بود و کنیسه به عنوان مرکز حمایتی اجتماع های محلی عمل می کرد. رابطه ای مداوم میان سنهدرین و چنین اجتماع هایی از طریق نامه هایی که معمولاً توسط *shaliah* قاصد حمل می شد، وجود داشت، «کسی که فرستاده شده است» (از واژه عبری *shalah*، «فرستادن»). یک قاصد *shaliah*، مأموری رسمی برگزیده توسط سنهدرین بود تا به ایفای چندین وظیفه دینی بپردازد.

هنگامی که پولس از کاهن اعظم، رئیس سنهدرین نامه های خطاب شده به کنیسه دمشق را در خواست نمود، او به یک *shaliah* قاصد با قدرت دستگیر نمودن پیروان عیسی

و آوردنشان به اورشلیم تبدیل شد (مقایسه شود با اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۲). در زبان یونانی، کلمه معادل shaliah، لغت apostolos می باشد که از آن واژه رسول مشتق می شود. از این رو، پولس پیش از آن که رسول عیسی مسیح باشد، رسول سنهدرین بود.

آخرین باری که شما برای چیزی که بعدها نظرتان درباره آن تغییر نمود، متعصب (یا مخالف) بودید، چه زمانی بود؟ از آن تجربه باید چه درس هایی فرا گرفته باشید؟

## دوشنبه

۸ مرداد

### در مسیر دمشق

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۳ تا ۹ را بخوانید. هنگامی که پولس به دمشق نزدیک می شد، چه اتفاقی افتاد؟ مفهوم سخنان عیسی در اعمال رسولان باب ۹ آیه ۵ چیست (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۴ را نیز ببینید)

همانطور که پولس و همراهانش به دمشق نزدیک می شدند، اتفاقی غیر منتظره رخ داد: در حوالی ظهر، آنها با نوری شدید و صدایی از سوی آسمان مواجه شدند. این صرفاً یک رویا در مفهوم نبوی نبود، بلکه تجلی الهی در نظر گرفته شده بطور ویژه برای پولس بود. همراهان او نور را مشاهده کردند؛ اما با این حال، تنها پولس نابینا شد؛ آنها صدا را شنیدند؛ اما با این وجود، تنها پولس آن را درک نمود. نور، شکوه الهی عیسای ظهور کرده بود که در آن لحظه شخصاً بر پولس ظاهر شده بود (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۱۴). پولس در جایی دیگر اصرار می کند که عیسی را دیده بود، که او را با دوازده حواریون به عنوان شهادت دهنده رستاخیز و قدرت رسالتی عیسی، برابر می ساخت (اول قرنطیان باب ۹ آیه ۱، باب ۱۵ آیه ۸).

گفت و گوی متعاقب آن با عیسی، پولس را بی نهایت بیشتر از نور تحت تأثیر قرار می دهد. پولس کاملاً متقاعد شده بود که با حمله به پیروان عیسی ناصری، در واقع کار خدا برای پاک نمودن یهودیت از آن ارتداد خطرناک و وحشتناک را انجام می داد. با این وجود، او با ترس، فهمید که نه تنها عیسی زنده بود، بلکه او با رنجاندن پیروان عیسی، در واقع به خود او حمله می کرد.

عیسی وقتی با شائول صحبت می کرد، از یک ضرب المثل ظاهراً از ریشه یونانی استفاده نمود که پولس قطعاً با آن آشنا بود: «تو را بر میخ ها لگد زدن دشوار است» (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۴). تصویر این است که یک گاو نر که به یوغ بسته شده تلاش می کند تا به جهت های مختلفی برود ولی کسی که گاو را هدایت می کند با

مهمیزی تیز به او ضربه ای میزند تا به مسیری برود که آنرا هدایت می کند. هنگامی که آن اتفاق بیافتد، حیوان حتی بیشتر به خود آسیب می رساند.

این سخن ممکن است به کشمکش در ذهن پولس اشاره داشته باشد — کتاب مقدس از این مطلب به عنوان کار روح القدس یاد می کند (یوحنا باب ۱۶ آیات ۸ تا ۱۱) — که می توانست به آنچه برای استیفان اتفاق افتاد، برگردد. «شائول نقش برجسته ای در محاکمه و محکومیت استیفان داشت و شواهد قابل توجه وجود داشت که خدا در کنار آن شهید حضور داشت، باعث شد تا شائول به درست بودن رفتار خود بر علیه پیروان عیسی، تردید کند. ذهن او شدیداً مغشوش شده بود. او در پریشانهالی خویش از کسانی که به حکمت و داوری ایشان اعتماد داشت، درخواست کمک نمود. استدلال های کاهنان و حاکمان در نهایت او را متقاعد نمود که استیفان یک کفرگو بود و اینکه آن مسیح که شاگرد شهید در باره وی موعظه می نمود، یک فریبکار بود و اینکه حق با کسانی است که در در تصدی امور روحانی هستند.» —  
الن جی. وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, pp. 112, 113

چرا خردومندان است که به وجدان خود توجه و اعتنا کنید؟

۹ مرداد

سه شنبه

## ملاقات حنایا

شائول وقتی متوجه شد که در حال صحبت کردن با شخص عیسی می باشد، سؤالی مطرح نمود که به عیسی فرصتی بخشید که به دنبالش بود: «خداوند چه کنم؟» (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۱۰). پرسش او، حاکی از ندامت از اعمالی بود که تا آن زمان مرتکب شده بود، اما مهم تر اینکه تمایلی بی قید و شرط برای اجازه دادن به عیسی در راهنمایی زندگی اش از آن لحظه به بعد را ابراز می کند. شائول که به دمشق برده شد، باید منتظر دستورالعمل های بعدی می ماند.

کتاب مقدس در اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱۰ تا ۱۹ نمایان می سازد که خداوند چگونه برای آماده کردن شائول طرسوسی برای زندگی جدیدش به عنوان پولس رسول کار می کرد. عیسی در رویایی، به حنایا مأموریت داد تا با شائول ملاقات نموده و دستانش را برای بازبایی بینایی بر او بگذارد. با این وجود، حنایا قبلاً می دانست شائول که بود و اینکه چه تعداد از برادرانش به خاطر او رنج دیده و یا حتی زندگی خود را از دست داده بودند. او همچنین به خوبی دلیل در دمشق بودن شائول را می دانست، و در نتیجه مطمئناً نمی خواست نخستین قربانی شائول در آنجا باشد. تأمل او قابل درک بود.

با این حال، آنچه حنایا نمی دانست این بود که شائول کمی قبل برخوردی شخصی با عیسی داشت که زندگی اش را برای همیشه تغییر داد. او نمی دانست که شائول به جای

اینکه همچنان برای سنهدرین کار کند — باعث حیرت حنانیا بود — توسط عیسی برای کار او فراخوانده شده بود که بدین معناست که شائول دیگر رسول سنهدرین نبود بلکه مهره انتخابی عیسی برای رساندن انجیل به یهودیان و غیر یهودیان بود.

غلاطیان باب ۱ آیات ۱، ۱۱ و ۱۲ را بخوانید. پولس در رابطه با مأموریت رسالتی خود چه ادعای خاصی ارائه می دهد؟

پولس در غلاطیه اصرار می ورزد که پیام و رسالت خود را مستقیماً از عیسی مسیح و نه منبع انسانی دریافت نموده است. این لزوماً نقشی که حنانیا در این فراخوانده شدن بجا آورد را نقض نمی کند. حنانیا هنگامی که با شائول ملاقات نمود، تنها مأموریتی که قبلاً او در مسیر دمشق از شخص عیسی دریافت کرده بود را تأیید نمود. در واقع، تغییر در زندگی شائول چنان چشم گیر بود که نمی توان سبب انسانی برای آن قائل شد. تنها مداخله الهی می تواند توضیح دهد که چگونه شدیدترین مخالف عیسی ناگهان او را به عنوان نجات دهنده می پذیرد و همه چیز را رها می کند — اعتقادات، شهرت، حرفه — و به فداکارترین و مؤثرترین رسول او تبدیل می شود.

ایمان آوردن شائول به چه روش هایی عملکرد فیض فوق العاده خدا را نشان می دهد؟ شما از این روایت در مورد کسانی که در زندگیتان هستند و تردید دارید هرگز واقعاً ایمان بیاورند، چه چیزی می توانید بیاموزید؟

۱۰ مرداد

چهارشنبه

## آغاز مأموریت پولس

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱۹ تا ۲۵ این گونه القا می کنند که پولس پس از ایمان آوردن و پیش از بازگشت به اورشلیم، برای مدتی در دمشق ماند (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۲۶). با این وجود پولس در غلاطیان باب ۱ آیه ۱۷ اضافه می کند که پیش از رفتن به اورشلیم به سرزمین اعراب رفت، جایی که ظاهراً برای مدتی در انزوا زندگی نمود. «پولس در اینجا در تنهایی بیابان، فرصت کافی برای مطالعه و تعمق داشت.» — الن جی. وایت،

Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 125

اعمال رسولان باب ۹ آیات ۲۰ تا ۲۵ را بخوانید. لوقا چگونه مأموریت پولس را در دمشق توصیف می کند؟ تا چه میزان بخوبی پیش رفت؟

هنگامی که پولس اورشلیم را با نامه هایی از کاهن اعظم ترک نمود، هدف اصلی اش ایمانداران یهودی تبار بودند که احتمالاً به کنیسه دمشق پناه آورده بودند (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۲). اکنون، پس از بازگشتن به عربستان، در نهایت به کنیسه رسید اما نه برای دستگیر کردن ایمانداران بلکه برای افزایش تعداد ایشان؛ نه برای تهمت زدن به عیسی به عنوان فریب کار بلکه برای ارائه او به عنوان مسیح موعود اسرائیل. در ذهن کسانی که تنها او را به عنوان شکنجه‌گر می شناختند و اکنون می شنیدند که از عیسی شهادت می دهد، چه چیزی باید گذشته باشد؟ آنها نسبت به آنچه شائول طرسوسی به آن تبدیل شده بود و آنچه برای کلیسا انجام می داد، چه کاری جز تعجب می توانستند انجام دهند؟ (آنها احتمالاً هیچ ایده ای نداشتند که این ایماندار جدید در نهایت چه تأثیر بسزائی خواهد داشت!)

برخی از مخالفان پولس که قادر به انکار او نبودند، پیمان بستند که جان او را بگیرند. روایت پولس از این قسمت (دوم قرن‌تیمان باب ۱۱ آیات ۳۲ و ۳۳) نشان می دهد که مخالفان او برای رسیدن به اهدافشان او را به مقامات محلی معرفی کردند. با این وجود، پولس با کمک ایمانداران توانست در یک سبد بزرگ احتمالاً از طریق پنجره خانه ای که بر فراز دیوار شهر ساخته شده بود بگریزد.

پولس از ابتدا می دانست که با چالش هایی روبرو خواهد شد (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱۶). ضدیت، جفا و رنج کشیدن از منابع مختلف در مأموریتش ثابت خواهند بود اما هیچ چیز ایمان و یا حس وظیفه شناسی او را با وجود سختی ها و مشکلاتی که عملاً در زندگی جدیدش در عیسی با آنها روبرو بود، متزلزل نمی کرد (دوم قرن‌تیمان باب ۴ آیات ۸ و ۹).

پولس با وجود مشکلات و مخالفت ها دل‌سرد نشد. هنگامی که به ایمان مربوط می شود، چگونه می‌توانیم بیاموزیم که ما نیز همان کار را انجام دهیم — یعنی چگونه در میان دل‌سردی و مخالفت، استقامت داشته باشیم؟

۱۱ مرداد

پنجشنبه

## بازگشت به اورشلیم

پولس که از دمشق فرار کرده بود، برای نخستین بار پس از اینکه به عنوان جفا رسان، اورشلیم را ترک کرده بود، به آنجا بازگشت. این سه سال پس از ایمان آوردن او اتفاق افتاد (غلاطیان باب ۱ آیه ۱۸). این بازگشتی آسان نبود زیرا هم از درون و هم از بیرون کلیسا با مشکلاتی مواجه بود.

## اعمال رسولان باب ۹ آیات ۲۶ تا ۳۰ را بخوانید. هنگامی که پولس به اورشلیم رسید، چه اتفاقی برایش افتاد؟

در اورشلیم، پولس تلاش نمود که به رسولان بپیوندد. اگر چه در آن زمان او به مدت سه سال مسیحی بود، خبر ایمان آوردنش چنان باور نکردنی بود که رسولان مانند حنانيا پيش از همه، نسبتاً مردد بودند. آنها می ترسیدند که این فقط بخشی از توطئه ای زیرکانه باشد. این برنابا یک لای اهل قبرس بود (اعمال رسولان باب ۴ آیات ۳۶ و ۳۷) که با وجود هلنیستی بودن مقاومت رسولان را شکست و پولس را به ایشان معرفی نمود. آنها نیز باید از آنچه خدا برای پولس انجام داده بود تعجب کرده باشند؛ یعنی، زمانی که متوجه شدند که ایمان او حقیقی و اصیل است.

با این حال چنین مقاومتی هرگز از بین نمی رفت، که اگر به دلیل اقدامات گذشته پولس در جفا رساندن به کلیسا نبود، دست کم برای موعظه انجیل بود. درست مانند مورد استیفان، ایمانداران یهودیه از جمله رسولان، در درک حوزه جهانی ایمان مسیحی بسیار کند بودند، ایمانی که دیگر برپایه نظام تشریفاتی عهد قدیم نبود، بویژه نظام قربانی کردن که پس از مرگ عیسی بر روی صلیب اعتبار خود را از دست داد. نزدیک ترین حوزه رابطه پولس درون کلیسا در یهودیه همیشه ایمانداران هلنیستی بودند: علاوه بر برنابا شامل فلیپس، یکی از هفت نفر (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۸) و مناسون او نیز اهل قبرس (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۱۶) می شد. چندین سال بعد، رهبران کلیسای اورشلیم همچنان پولس را به موعظه اصول عقاید مشابه با استیفان متهم می نمودند (اعمال رسولان باب ۲۱ آیه ۲۱).

در طول پانزده روزی که پولس در اورشلیم ماند (غلاطیان باب ۱ آیه ۱۸)، او ظاهراً تصمیم گرفت انجیل را با همان یهودیان بی ایمانی که زمانی قبل علیه استیفان برانگیخته بود، درمیان بگذارد. با این وجود درست مانند استیفان، تلاش هایش با مخالفت شدید روبرو شد و زندگی اش به خطر افتاد. عیسی در رؤیایی به او گفت که برای ایمنی خود اورشلیم را ترک کند (اعمال رسولان باب ۲۲ آیات ۱۷ تا ۲۱). او با کمک برادران به بندر قیصریه و از آنجا به زادگاه خود قیلیقیه جایی که پیش از شروع سفر بشارتی خود چندین سال می ماند، رفت.

۱۲ مرداد

جمعه

**تفکری فراتر:** «یک ژنرال در اثر شکست قوای نظامی اش کشته می شود ولی مرگ او باعث افزوده شدن قدرت اضافی به قوای دشمن نمی شود. اما هنگامی که مردی برجسته به نیروی مخالف می پیوندد، نه تنها خدماتش از دست می روند

بلکه کسانی که او به ایشان پیوسته است مزیتی قطعی بدست آورده و از او بهره مند می شوند. شائول طرسوسی در مسیرش به دمشق می توانست به راحتی توسط خداوند کشته شود و قدرت بسیاری از نیروی جفا برداشته می شد. اما خدا در آینده نگری اش نه تنها از کشتن شائول چشم پوشی نمود بلکه او را به یک ایماندار تبدیل نمود تا از این رو مبارزی از سمت دشمن را به سمت مسیح آورده باشد.» — الن جی.

وایت، Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 124

«مسیح به حواریونش فرمان داد بروند و به همه ملت ها آموزش بدهند؛ اما آموزه های پیشینی که آنها از یهودیان دریافت کرده بودند درک کامل سخنان اربابشان را برایشان دشوار می نمود و بنابراین به کندی در مورد آنها عمل می کردند. آنها خود را فرزندان ابراهیم می خواندند و خود را وارثان وعده الهی می دانستند. تنها چندین سال پس از عروج خداوند بود که ذهن های ایشان به اندازه کافی رشد نمود تا منظور سخنان مسیح را درک نموده و برای ایمان آوردن غیر یهودیان در کنار یهودیان تلاش کنند.» — الن جی.

وایت، Ellen G. White, Sketches From the Life of Paul, p. 38

## سوالاتی برای بحث

۱. در مورد سوال عیسی از پولس در راه دمشق بیشتر تأمل کنید: «برای چه بر من جفا می کنی؟» (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۴). برای پولس این سؤال نشان از این بود که عیسی ناصری حقیقتاً از مرگ زنده شده بود. اما بیشتر از آن همچنین نشان دهنده شناخت روحانی بود که میان عیسی و کلیسایش وجود دارد (متی باب ۲۵ آیات ۳۴ تا ۴۵ را نیز ببینید). مفهوم واضح است: هر آسیبی به کلیسا در واقع آسیب رساندن به شخص عیسی می باشد. در عمل این امروزه برای ما به چه معناست؟

۲. شهادت دادن برای عیسی شامل رنج کشیدن برای عیسی می باشد. این بر حسب بخت و اقبال نیست که واژه یونانی «شاهد» (martyrs) در ارتباط با «شهید» است. رنج کشیدن برای عیسی به چه معناست؟

۳. یک ضرب المثل قدیمی لاتین وجود دارد، Credo ut intelligam که به معنی «ایمان می آورم تا به شناخت و معرفت نائل آیم». این ایده چگونه به ما در درک آنچه برای شائول طرسوسی اتفاق افتاد، کمک می کند؟ یعنی پیش از ایمان آوردن پولس قبل از اینکه به عیسی اعتقاد پیدا کند او فهم و شناخت نداشت. تنها پس از تجربه اش بود که توانست به معرفت نائل گردد. ما از این مطلب چه درسی بیاموزیم هنگامی که با افرادی مواجه می شویم که حقایق شفاف را باور نکرده و مایوس می شویم؟